

## ✿ وخب راه درست چیست؟

این‌که به طرف مقابل مان، خواه فرزندمان باشد خواه یکی دیگر از اعضای خانواده مان، شخصیت بدهیم. بگوییم که من برای این‌که باحجاب باشم، دلیل دارم و رفتارم برای خودم منطقی است.

تو دلیل و انگیزه‌ات برای این رفتار چیست؟ البته من دوباره تاکید کنم که ما از وسط ماجرا وارد شده‌ایم و قطعاً اگر در روزهای اول بودیم، باید کار دیگری می‌کردیم.

## ✿ به‌طورکلی شما مدارا را پیشنهاد می‌کنید؟

چاره‌ای جز این نداریم. من غضب را در هیچ مرحله‌ای پیشنهاد نمی‌کنم چون نتیجه‌ای جز بدتر شدن موضوع نخواهد داشت؛ ضمن این‌که باید بدانیم مطابق دستورات دین و الگویی که دین به من می‌دهد، من وظیفه دارم خانواده و فرزندانم را تربیت کنم اما من نمی‌توانم کسی را به چیزی مجبور و او را ملزم کنم به‌گونه‌ای باشد که من می‌خواهم.

## ✿ واگر مدارا کردن جواب نداد، چه؟

به‌هرحال، من همواره باید این‌کد را به فرزندم بدهم که از این کار، از این حرف و از این رفتار توافقی نیستم. آن‌هم نه با دعوا و نه با زبان بلکه با کم‌توجهی؛ با ندیدن چیزی که او دوست دارد من ببینم. مثلاً فرض کنید دختر خانواده، آرایش زیادی کرده و این رفتارش با ارزش‌های خانواده مطابقت ندارد؛ طبیعتاً نوجوان علاقه دارد که دیگران او را ببینند و مورد تحسین قرار دهند درحالی‌که من به عنوان والد او، با این‌که مشخص است او را می‌بینم اما به روی خودم نمی‌آورم. همین یعنی او این‌کد را از من گرفته که از رفتارش احساس نارضایتی دارم. در واقع اگر می‌گویم مدارا، منظوم این نیست که او حاکم شود و من مغلوب رفتارش شوم؛ منظوم این است که همواره باید به او نشان دهم من حامی این رفتار تو نیستم اما حامی بچه‌ام هستم. من فرزندم را طرد نمی‌کنم و در بدترین شرایط هم جایش در خانه ما است ولی طبیعتاً رفتارش را دوست ندارم. نهایتاً این‌که من تاکید به مدارایی دارم که در آن، موضع خودمان هم مشخص باشد.

## ✿ فکر می‌کنید گذر زمان، برای بهبود چنین شکافی در خانواده چقدر تاثیرگذار خواهد بود؟

بسیار زیاد؛ این را فراموش نکنیم که همه ما و همه پدر و مادرها در دوران نوجوانی و جوانی، رفتاری انجام داده‌ایم که به نظرم خلاف اعتقاد خانواده مان بوده است. حالا یکی خلافت کوچک بوده و یکی درشت؛ یکی رفتاری مخالف مذهب انجام داده و دیگری خلاف عرف. چه کسی است که نداند دوران نوجوانی و بعد دوران جوانی، دوران شکستن کلیشه‌ها است؟ پس با در نظر داشتن این نکته مهم، علاوه بر همه رفتارهای مداراگونه با فرزندانمان، باید به او زمان بدهیم.

## ✿ یعنی امید به پی بردن اشتباه به مرور زمان دارید؟

قطعاً همین‌طور است. امروز است که من به شما می‌گویم در گذشته اشتباه‌هایی داشته‌ام و گرنه همان موقع که متوجه اشتباه‌هایم نبوده‌ام! آن روزها فکر می‌کردم درست رفتار می‌کنم اما زمان است که می‌تواند خیلی از موضوعات را برای آدم‌ها روشن کند.

موضوعی که متأسفانه علاجی هم برایش نیست و نمی‌شود سرعتش را تند کنیم. پس بهتر است در چنین مواقعی، به طرف مقابل مان زمان بدهیم. فراموش نکنیم رفتاری که از طرف مقابل سر می‌زند مانند آتشی است که هرچه بیشتر با او مخالفت کنیم، شبیه نسیمی بوده‌ایم که آتش‌اش را بیشتر کرده‌ایم؛ در حالی که باید زمان بدهیم تا آتش به‌طور طبیعی فروکش کند.

## ✿ حالا کمی از دایره والدین و فرزند خارج شویم و این چگونگی رفتار با افرادی که خلاف ارزش‌های ما رفتار می‌کنند را گسترده‌تر کنیم؛ مثلاً در بین فامیل. اگر کسی در فامیل باشد که در زمان رفت و آمد و صله رحم، رفتاری انجام می‌دهد که با معیارهای دینی ما همخوانی ندارد، وظیفه ما چیست؟ سکوت؟ اعتراض؟ نصیحت؟

بگذارید از همین اول یک چیز را مشخص کنیم که سکوت هیچ وقت وظیفه ما نیست. اما متأسفانه در امر به معروف کردن هم رفتارهایی کلیشه‌ای به ذهن ما می‌رسد که این رفتارها غالباً خطاست.

## ✿ خب، فرض کنید در خانواده با کسی همنشین هستیم که حیوانی مانند سگ دارد و ما با این کار مخالف هستیم. اگر سکوت نه، پس چه باید کرد؟

اجازه بدهید که برای پاسخ به این سوال، مثالی بزنم؛ حتماً از



کوهنوردی‌های رهبری شنیده‌اید. یکی از همراهان ایشان نقل می‌کند در یکی از همین کوهنوردی‌ها، از روبه‌رو دختر و پسری می‌آیند که سگی همراه خودشان دارند. شاید در نظر اول، انتظار داریم که رفتاری سختگیرانه از رهبر ببینیم اما ایشان چه می‌کند؟ با آنها هم‌کلام می‌شود و می‌پرسد که آیا شما احکام نگه داشتن سگ را می‌دانید؟ تنها بخشی از این احکام نجس و پاکی است اما بخشی از آن، حقی است که این حیوان گردن ما دارد؛ آیا شما واقعاً می‌توانید حق او را ادا کنید؟ و این نمونه یک برخورد دینی است.

## ✿ پس به نظر شما توصیه دین در چنین مواقعی هم یک رفتار قهری نیست؟

البته که کار، کار غلطی است و نگهداری خیلی از حیوانات به صورت خانگی، اخلاقاً کار درستی نیست و من موضع مخالفت خود را اعلام می‌کنم اما این‌که به دلیل داشتن این حیوان، با او قطع رابطه کنم، رو ترش کنم و دعوا راه بیندازم، اصلاً و ابداً توصیه مناسبی نیست. من همواره اعلام مخالفت می‌کنم اما در عین حال، سعی می‌کنم در یک رابطه انسانی و دوستانه با این فرد، آن دانشی درباره رفتارش لازم دارد به او بدهم.

## ✿ ممکن است از حرف شما برداشت شود در برابر هر رفتاری، ما ساکت و با مدارا و بدون عکس‌العملی خاص رد شویم؛ شما چنین منظوری دارید؟

قطعاً در برابر هر رفتاری خیر؛ گاهی یک رفتار تنها جنبه فردی دارد اما گاهی برخی افراد با رفتاری غلط در حال ترویج و شبکه‌سازی در یک جامعه مثل خانواده، فامیل یا اجتماعات بیرون از خانواده هستند. در چنین مواقعی فقط خود او نیست که مرتکب خطا می‌شود بلکه او در حال شکل دادن جریانی است که دیگران هم در طرفی باشند که او ایستاده است. در چنین مواقعی شاید لازم باشد مدل رفتاری ما عوض شود. آنقدر که به حذف رابطه بکشد؛ چرا که رابطه و رفت و آمد من با این فرد باعث می‌شود این‌طور به نظر برسد این کار او مورد تایید من است و دیگران هم وارد بازی او بشوند.

## ✿ پس بالاخره به جایی می‌رسیم که به رفتار تند و تیزتری از مدارا کردن نیاز داریم.

چون طرف مقابل، یک قدم رفتارش را غلیظ‌تر کرده است، پس من هم یک قدم مبارزه خود را غلیظ‌تر می‌کنم. البته که همچنان در این نوع از رفتار هم بی‌احترامی وجود ندارد و نباید کار غلط را با کار غلط جواب بدهیم اما بدون شک، ابراز مخالفتی جدی‌تر باید وجود داشته باشد.

## ✿ و نهایتاً این‌که به نظر می‌رسد نتیجه تمام این صحبت‌ها، یک رفتار تعاملی برای جذب حداکثری و دفع حداقلی است؛ درست است؟

قطعاً همین‌طور است اما یک چیزی را در این میان فراموش نکنیم که ما موظف هستیم در چنین مواردی، دانش خود را افزایش بدهیم و رفتارمان را تصحیح کنیم. بدون شک، بخش زیادی از آن چیزی که دیگران از دین می‌فهمند، نتیجه مشاهده رفتار دینداران است و حالا اگر رفتار من به عنوان دیندار، رفتار درستی باشد اثرگذاری این رفتار در جامعه اطراف مان قطعاً بسیار زیاد است.

بگذارید از همین اول یک چیز را مشخص کنیم که سکوت هیچ وقت وظیفه ما نیست. اما متأسفانه در امر به معروف کردن هم رفتارهایی کلیشه‌ای به ذهن ما می‌رسد که این رفتارها غالباً خطاست.